

* سنا یگانه اصل

درنگی بر اختلالات یادگیری و نظریه های پیش رو

هر اختلالی که در آن موفقیت تحصیلی فرد با توجه به سن و آموزش و هوش، براساس آزمون‌های معیار خواندن و نوشتن و محاسبه از آنچه انتظار می‌رود بسیار کمتر باشد، اختلال یادگیری توصیف می‌شود. تشخیص اختلال یادگیری ممکن است دشوار باشد. اگر کودک علائمی مانند: در فهمیدن و پیروی کردن از دستورالعمل‌ها مشکل دارد. در به یاد آوردن چیزی که به او گفته شده‌است، مشکل دارد. ضعف هماهنگی در راه رفتن، ورزش کردن یا مهارت‌هایی از قبیل نگه داشتن یک مداد دارد. وسایل مورد نیاز برای تکالیف را گم می‌کند یا جا می‌گذارد، مثل کتاب‌های مدرسه و ... در فهمیدن مفهوم زمان مشکل دارد را داشته باشد ممکن است اختلال یادگیری داشته باشد.

موضوعی که می‌خواهم راجع به آن صحبت کنم، موضوعی است که بین دانش آموزان علی‌الخصوص، دانش آموزان ابتدایی و همچنین پایه های اول و دوم و سوم بسیار شایع است و خانواده ها را بسیار مستاصل و نگران کرده است. والدین از اینکه می بینند فرزندشان در فارسی (خواندن و نوشتن و همچنین املا) و ریاضی و محاسبات و مفاهیم آن (جمع و تفریق و ضرب و تقسیم) و مفهوم اعداد و مهارت‌های حل مساله مشکل دارند، سخت نگران و مضطرب هستند. این گونه دانش آموزان معمولا دچار اختلال یادگیری هستند (اختلال به معنی مشکل می باشد). که توسط تستی که از دانش آموز بعمل می آید نشان می دهد در چه زمینه ای مشکل دارد تا با توجه به برنامه ی درمان و فعالیت ها و تمرین های لازم، مشکل او را درمان کنند.

بسیاری از خانواده ها کودکانی با ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزنشان هم نشانه از بهنجار بودن آنان است. هوششان نرمال است. به خوبی صحبت می کنند. مانند دیگر کودکان بازی می کنند و ارتباط اجتماعی کمابیش مناسبی دارند. در خانه نیز کارهایی را که والدین به آنان واگذار می کنند به خوبی انجام می دهند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند. ولی وقتی به مدرسه می روند و می خواهند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند مشکلات جدی خودشان را نشان می دهند.

این والدین معمولا گزارشی از نارضایتی معلم از عملکرد تحصیلی کودکشان دریافت می کنند و بسیار نگران می شوند. نقص یا ناتوانی عملکرد می تواند به شکل نداشتن توانایی کامل در گوش کردن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن یا انجام محاسبه های ریاضی ظاهر شود. اختلال یادگیری اصطلاحی است که در متون علمی برای این موارد استفاده می شود. مبتلایان به اختلالات یادگیری در تمام سطوح و در تمام پایه های کلاسی از آمادگی تا دانشگاه دیده می شوند. تشخیص بهنگام، روند بهبودی را سرعت خواهد بخشید؛ بنابراین توجه به دوره ابتدایی به ویژه پایه های اول و دوم در این زمینه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری، معمولا از لحاظ هوشی مشکلی ندارند، اما به دلیل نقص در راه های پردازش اطلاعات در مغزشان، عملکرد ذهنی پایینی را نشان می دهند

به زبان ساده می توان گفت اختلالات یادگیری از تفاوت در مسیرهای عصبی و ارتباط آنها در مغز ناشی می شود. اختلالات یادگیری مشکلاتی هستند که بر توانایی مغزی در دریافت، پردازش و ذخیره اطلاعات تاثیر می گذارد.

این مشکلات باعث می شود یک دانش آموز بسیار کندتر از فردی که این مشکل را ندارد، مطالب را یاد بگیرد. دانش آموز مبتلا به اختلال یادگیری ممکن است به صورت کلی در حوزه های خواندن، یادگیری ریاضی و نوشتن دیکته و به صورت جزئی تر در شناسایی کلمه، ادراک خواندن، حساب کردن، استدلال کردن، هجی کردن و یا کلمه بندی در نوشتن دچار مشکل باشد. اختلالات یادگیری ممکن است با حالت های مختلف اختلال بیش فعالی همراه با نقص توجه و اختلالات

رفتاری نیز همراه شود. در این شرایط والدین افزون بر اینکه با مسائل تحصیلی کودک دست و پنجه نرم می کنند، با رفتارهای پرخطر، بی نظمی، پرخاشگری، مقاومت در برابر پذیرش قانون و رفتارهای افراطی توجه طلبی رو به رو هستند و درواقع مشکل یادگیری کودک در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و پدر و مادر از این رفتارها خسته و نگران می باشند.

به زبان ساده می توان گفت اختلالات یادگیری از تفاوت در مسیرهای عصبی و ارتباط آنها در مغز ناشی می شود. اختلالات یادگیری مشکلاتی هستند که بر توانایی مغزی در دریافت، پردازش و ذخیره اطلاعات تاثیر می گذارد.

ثابت شده است که علل بروز ناتوانی های یادگیری نسبتاً مبهم است برخی از مشکلات کنونی درباره مفهوم ناتوانی های یادگیری بازتابی است از ناتوانی ما در اشاره دقیق به علل بروز ناتوانی های یادگیری که شاهدش هستیم. روشن است که آگاهانه یا ناآگاهانه مسئله علل بروز ناتوانی های یادگیری را به فراموشی و بی توجهی می سپاریم بر حسب درک ما از ناتوانی های یادگیری و نگرش اولیه حرفه ای ما (پزشکی، روان شناسی، تعلیم و تربیتی) نسبت به ناتوانی های یادگیری ممکن است ما به علل خاصی توجه پیدا کنیم تا آن که به رابطه علی دشواری بپردازیم.

عواملی که باعث می شوند کودک دچار و درگیر اختلالات یادگیری شوند عبارتند از :

الف) عوامل آموزشی

۱- تدریس ناکافی و ناصحیح به کودکان

۲- عدم فراگیری معلم از مهارت های لازم جهت تدریس درسهای پایه در مدارس

۳- توقعات بیش از اندازه بالا یا بسیار پایین معلمان

۴- برنامه ریزی و طرح برنامه آموزشی ضعیف

۵- عدم فعالیت های برانگیزنده

۶- تدریس عملی نادرست

۷- عدم آموزش مهارت های اجتماعی، یادگیری و حرکتی و جسمی و عدم پرداختن به یادگیری های زبانی شفاهی

۸- استفاده نادرست از روش ها و مواد و برنامه درسی

ب) عوامل محیطی

عوامل محیطی بسیاری وجود دارد که می تواند به پیچیدگی ناتوانی های یادگیری بیفزاید و حتی شاید سبب ساز آن باشد. - تغذیه، بهداشت، تندرستی انگیزش ضعیف توجه ناکافی و ضعف در انجام کار بر اثر گرسنگی و وجود رنگ ها و مزه های مصنوعی در غذاها طبق نظر فاین گولد روی تحرک بیش از حد کودک مؤثر است. سرماخوردگی مزمن، مشکلات تنفسی، آلرژیها و ... نیز در ناتوانی یادگیری کودک مؤثر است.

- رشد اجتماعی و عاطفی

بسیاری از کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری مضطرب، نامطمئن و بی اختیار و سرکش هستند که ممکن است این رفتارها با فقدان امنیت طبیعی، ثبات محبت و گرمی و پذیرش در منزل و محیط مدرسه پیوند داشته باشد.

ج) عوامل روانی

امکان دارد کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری در عملکردهای روانی پایه چون ادراک، حافظه و شکل درون به مفاهیم اختلال داشته باشند. د- عوامل فیزیولوژیکی

بسیاری از متخصصان بر این باورند که علل اساسی و عمده ناتوانی‌های یادگیری آسیب دیدگی مغزی، شدید یا جزئی و صدمه وارده به دستگاه عصبی و مرکزی است.

ه- عوامل ژنتیکی

شواهدی در دست است که نشان می‌دهد ناتوانی‌های یادگیری احتمالاً در برخی خانواده‌ها بیشتر از دیگران دیده می‌شود در واقع عوامل ژنتیکی در شمار وسیعی از ناتوانی‌های یادگیری نقش دارد.

ز & عوامل بیوشیمیایی

اختلال‌های گوناگون متابولیکی در حکم عواملی هستند که موجب ناتوانی‌های یادگیری می‌شوند مثل هایپوگلیسمی، کم کاری تیروئید و …

و- عوامل پیش، هنگام و بعد از تولد

ژ- تاخیر رشد

بندر، دهریش، جانسکی، لانگ فود … اظهار می‌دارند که عدم ظهور علائم رشد برخی از کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری ممکن است از تاخیر رشد برخی اجزای دستگاه عصبی مرکزی سرچشمه گرفته باشد که این گونه کودکان پس از بزرگتر شدن بر این مشکلات غلبه می‌کنند.

چ- نقص جزئی در کار مغز

به نظر می‌آید هر گونه نتیجه‌گیری درباره‌ی حیاتی بودن آسیب دیدگی مغزی در کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری در بهترین شرایط فقط جنبه تجربی و آزمایشی دارد. پس همانگونه وقتی شخصی بیمار می‌شود معمولاً برای درمان باید نزد پزشک مراجعه کند. درمورد اختلال یادگیری نیز باید گفت وقتی کودکی از مشکلاتی که در بالا مطرح شد رنج می‌برد باید او را به مرکز اختلالات یادگیری ببرند تا به موقع و بجا مشکل او را برطرف سازند، قبل از آنکه کودک بعلت ضعف درسی و سرخوردگی جلوی همکلاسی‌هایش، اعتمادبنفوسش را کامل از دست بدهد و یا ضعف درسی اش عمیق تر شود.

*مربی آموزش استثنایی و کارشناس اختلالات یادگیری